

نهادی برای جوانان (جوانان خهبات)

سید کامل نورانی فرد



با ظهور روند جهانی شدن و پدیدار گشتن عصر مدرنیته و پیشرفته شاهد تغییر و تحولات شگرفی در سطح بین المللی بوده‌ایم که هر کدام از این تحولات چرخه پیشرفت و توسعه زندگی اجتماعی انسان را رو به جلو برده است. وارد شدن واژه جامعه مدنی به زندگی اجتماعی و سیاسی

جوامع بشری به دنبال عصر روشننگری و انقلاب صنعتی در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی و به دنبال آن نیز روند گلوبالیزم سبب شد که این واژه که در ابتدا مختص قسمت کوچکی از جهان بود، ریشه‌های خود را به سایر نقاط جهان بگستراند و زندگی جوامع بشری را دستخوش تغییر و تحولات چشمگیر و مفیدی نماید. امروزه جهان را به روستای کوچکی تعبیر می‌نمایند، به طوری که افراد نمی‌توانند در برابر تغییرات قسمتی از جهان بی تفاوت بوده و به سادگی از مقابل آن گذر نمایند. این شرایط میزان درک و آگاهی افراد را بالا برده و افراد جوامع از هم‌دیگر اطلاع دارند و براین اساس نیز از آزمون و خطاهای یکدیگر سود می‌گیرند و به‌طبع نیز کار و برنامه و مواضع خوب یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهند. افراد زیردست با دیدن اوضاع و زندگی سایر مردم آزاد و مرفه، خود را مورد پرسش قرار می‌دهند، به دنبال جواب سرگشته و ویلانند، می‌خورند و دیگر تن به ظلمت نمی‌دهند و به دنبال تحقق زندگی آزاد و مستقل خواهند بود. این عکس‌العمل دیدگاه تعجب برانگیز نیست، زیرا میل به آزادی و رهای و حق طلبی در درون و ذات هر فرد می‌باشد، اما با این حال این حس به نسبت آگاهی و درک و شعور افراد متفاوت است.

این فرمول کلی است و در بین احاد مردم خود را نمایان می‌کند. بعضی وقت علیرغم اینکه افراد یک جامعه روی تحقق یک هدف هم نظر و همسو هستند، اما احتمالاً بر مبنای خصوصیات جنسی و سنی و شغلی و غیره... رسیدن به خواسته و حقوق متفاوت و مختصی را نیز در سر داشته باشند و برای رسیدن به این خواسته‌ها مستقلاً در تکاپو هستند و حتی با افراد جوامع خود که در بسیاری مسائل احتمال اینکه نظر موافق هم داشته و هم‌رزم باشند به خاطر برخورد افکار و تضاد در برخی از مسائل و منافع دچار اختلاف شوند که این نیز علیرغم این قاعده کلی روی سخن ما

جوان دلیر و انقلابی و هوشیار کرد می‌باشد. جوان کرد این قشری که دینامیک حرکت و تغییر است و در همه زمینه‌ها حضور فعال دارد و تأثیرات بسزای بر محیط اطراف خود می‌گذارد. در همان حال نیز به آن شیوه‌ای که لازم است مورد توجه قرار نگرفته و بیشتر مانند سوخت به آن نگاه می‌شود و در بیشتر عرصه‌ها با کم لطفی روبرو می‌شود.

جوان کرد که به خاک و میهنش عشق می‌ورزد و در طول تاریخ مبارزات آزادخواهانه ملتش در صف اول فداکاری و ایثار بوده و آماده هر نوع جانبازی بوده و در مقابل حاکمان مستکبر و ضد کرد کوچکترین بهانه را به خیزش و تظاهرات تبدیل نموده و بمانند طوفان و تگرگ به خیابانها می‌ریزد و فریاد حق طلبانه ملتش را به گوش ظالمان می‌رساند و به دژمن گوشزد می‌کند، تا من بمانم نخواهم گذاشت چشمانتان خواب خوش ببیند و تا تحقق حقوق ملت از پای نخواهم نشست. جوان کرد آن بازیگر فعال عرصه‌های سرنوشت ساز است که دشمن برای به زانو درآوردنش از همه ترفند و نیرنگهای خود استفاده می‌کند و از راههای همچون درست کردن فضای بیکاری و جامعه را در تنگدستی نگه داشتن و توزیع مواد مخدر و دروست کردن بسیج و مزدور به طریقه‌های مختلف و سرکوب تحت نام بدحجابی و غیره... در صدد از پا درآوردن این نیروی عظیم جامعه است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا توجه بیشتر به جوانان و خواسته و نیازهایشان برای کانالیز کردن این نیروی سرشار فکری و جسمی در این وحله از زمان مبارزاتی ضروری نیست؟ بی تردید بایستی فرصت برای فعالیت و خود مطرح سازی جوانان کرد هموار شود و راه را برایشان مساعد نمود تا بتوانند هم زندگی بهتری داشته باشند و هم وجود خود را حس نموده و تأثیرگذار باشند بر اطراف خود و با دقت و تیزبینی وظیفه و حقوق خود را مشخص نمایند و در راستایش به تکاپو افتند. به همین خاطر به روشنی ضرورت تأسیس نهادی برای گردآوری جوانان مبارز و پرنرژ دور هم و توجه نمودن به جوانان در سازمان خهبات کردستان ایران در این مرحله از مبارزات احساس می‌شود. بایستی همه در راستای تأسیس ارگانی که جوانان خود و خواسته‌هایشان را در آن بیابند و وظایف و حقوقشان را بشناسند، حرکت کنیم.

نرخ بیکاری در ایران "بیشتر از آمار موجود"



بیکار کیست و به چه کسی اطلاق می‌شود؟ براساس تعریف مرکز آمار رژیم ایران، بیکار کسی است که جویای کار باشد، اما نتواند با وجود درخواست خود کاری دست و پا کند. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ در ایران، افرادی که تنها یک ساعت در روز کار می‌کنند، نیز بیکار به حساب نمی‌آیند. حسن منصور، اقتصاددان در بریتانیا، با اشاره به فرمول بندی جهانی در مورد بیکاری به رادیو فردا گفت: نخستین مسئله، جمعیت است و اینکه سرشماری تا چه اندازه دقیق و درست است. وی افزود: مسئله بعدی، سن جمعیت است، یعنی شمار جمعیت در سن کار چقدر است و پس از آن هم جمعیت فعال، یعنی جمعیت آماده به کار تعریف می‌شود. به گفته وی، ممکن است کسی در سن کار باشد، ولی آماده به کار نباشد، مانند دانش آموزان و دانشجویان که آماده به کار نیستند. این اقتصاددان اضافه کرد: در نتیجه، از نو تعریف کردن مسایلی مانند جمعیت سنی، جمعیت فعال و جمعیت در حال اشتغال می‌تواند در برآیند محاسبه درصد بیکاری تغییر ایجاد کند.

رقم واقعی بیکاران در ایران:

چند درصد مردم ایران بیکار هستند؟ آنگونه که مرکز آمار ایران می‌گوید، ۹،۵ درصد یا بیشتر از آن؟ مرکز رژیم ایران بر این رقم تأکید می‌کند، اما محمد جهرمی، وزیر کار و امور اجتماعی، گفته است: درصد بیکاران در ایران بیش از ۱۰،۵ درصد است. تحلیل گران مستقل اشاره می‌کنند که آمارهای ارائه شده در رژیم آخوندی براساس گفته‌های خود نمایندگان مجلس رژیم مخدوش است و نمی‌توان به آنها استناد کرد. سرشماری سال ۱۳۸۵ حاکی از این بود که جمعیت جویای کار حدود ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است که با محاسبه نرخ رشد جمعیت، تا پایان سال جاری به حدود ۲۶ میلیون نفر می‌رسد. از این جمعیت، بین ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر تا ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، شاغل بوده‌اند و طبق همان آمار، حدود سه میلیون نفر بیکار بوده‌اند که معادل ۱۲،۵ درصد است. حسن منصور در مصاحبه با رادیو فردا با اشاره به اینکه سالیانه، به طور متوسط، یک و نیم میلیون نفر وارد بازار کار شده‌اند، گفت: طبق آمار ۲۰ ساله گذشته، از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ تعداد فرصتهای شغلی ایجاد شده، ۹،۵ میلیون شغل بوده است، یعنی

سالانه در حدود ۴۷۴ هزار فرصت شغلی ایجاد شده است. این آمار را با یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر جویای کار مقایسه کنید که هر سال وارد بازار کار می‌شوند. در نتیجه به گفته این اقتصاددانان، نرخ بیکاری در ایران بیش از اینها و در حدود ۲۶ تا ۳۰ درصد است. اما چرا مقامهای رژیم آخوندی تلاش می‌کنند تا نرخ بیکاری را پایین تر از رقم واقعی نشان می‌دهند؟ تحلیل گران نزدیک بودن زمان انتخابات ریاست جمهوری را عامل موثری در این زمینه می‌دانند و بر این باورند که آمار، تأثیر تبلیغاتی و روانی دارد و شرایط کشور بحرانی است و انتخابات نزدیک است. این شرایط باعث می‌شود تا جامعه را به سود خودشان هدایت کنند. به گفته تحلیلگران اقتصاد، اعتقادی به حقیقت آمار و ارقام وجود ندارد و مردم واقعیات را نمی‌دانند. فقط می‌دانند که معیشتشان نمی‌چرخد و بیکارند. جوانانی هستند که اولین شغل خود را پیدا نکرده‌اند و خانواده‌های به طور متوسط ۵ نفره، سربار یک نفر شاغل هستند. این گرفتاری های مردم است، ولی دولت در برابر اعلام می‌کند که بیکاری را کم کرده، آن هم به برکت پروژه‌هایی که خود مجلس اعلام کرده است که ۴۶ درصد این پروژه‌های به اصطلاح زود بازده وجود خارجی ندارند. به گفته کارشناسان، اگر برنامه مدونی به اجرا درنیاید، باید در انتظار آن بود که نرخ بیکاری، در شرایطی که بحران اقتصادی در ایران روز به روز گسترش می‌یابد، باز هم افزایش یابد.

بانک لویدز به خاطر همکاری با بانک های ایرانی جریمه شد



کزاری فرانسه، مقامهای قضایی آمریکا می‌گویند که شعبه‌های بانک لویدز در بریتانیا و دوی. از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۷ در اطلاعات مربوط به انتقال بردند که مستولان مالی آمریکا نتوانند درست آنها را شناسایی و متوقف کنند. بر پایه همین گزارش، دادستان منهتن افزوده است که در یکی از این موارد، ایران از بانک لویدز برای خرید قطعه ای که در ساخت موشکهای دوربرد استفاده کرده، بهره‌برداری کرده است. همچنین به گفته این مقام قضایی آمریکا، گمان می‌رود برخی از فعالیتهای مالی تهران نیز در پیوند با فعالیت های هسته‌ای ایران بوده است.

مقامهای قضایی آمریکا روز جمعه ۲۰ دی ماه اعلام کردند که بانک بریتانیایی "لویدز" موافقت کرده است به خاطر نقض تحریم های آمریکا علیه رژیم ایران و سودان، مبلغ ۳۵۰ میلیون دلار جریمه بپردازد. رابرت ام مورگنتو، دادستان منطقه منهتن، اعلام کرد بانک لویدز پذیرفته است بین سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴، با فراهم کردن امکانات غیر قانونی برای بانک های ایرانی، به آنها کمک کرده است تا ۳۰۰ میلیون دلار را از سیستم بانکی آمریکا منتقل کنند. آقای مورگنتو بانک های ایرانی این پرونده را بانک های سپه، ملی و صادرات معرفی کرد. به گزارش خبر